

## معناشناسی تطبیقی واژگان تلاوت و ترتیل از منظر قرآن و حدیث

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۰

ناصر عابدینی؛ دانشجوی دکتری و مربی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور  
داوود اسدیان؛ دانشجوی دکتری و مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور

### چکیده

در علم زبان‌شناسی، بررسی ارتباط میان واژه و معنا را معناشناسی می‌گویند و آن اصطلاحی است برای اشاره به مطالعه معنای عناصر زبان، به ویژه مطالعه شرایط حقیقی جملات و عبارات زبانی. این مقاله با موضوع «معناشناسی تطبیقی واژگان تلاوت و ترتیل از منظر قرآن و حدیث» از طریق مراجعه به منابع لغوی، آیات قرآنی، منابع روایی و کتب علم قرائت معنای این دو واژه (تلاوت و ترتیل) از جهت لغوی، کاربردهای قرآنی، کاربردهای حدیثی و اصطلاحی را مشخص کرده و همچنین ارتباط بین آن دو را بیان نموده است. کلید واژه‌ها: تلاوت، ترتیل، قرآن، روایات.

﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ﴾  
 (زخرف: ۳-۴)؛ ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، باشد که بیندیشید و همانا که آن  
 در کتاب اصلی [لوح محفوظ] به نزد ما سخت والا و پر حکمت است.

به تعبیر آیات فوق، قرآن در ام الكتاب (لوح محفوظ) بر حسب موطن نفس  
 الامری و واقعیتش ما فوق فکر و اجنبی از عقول بشری بوده و خدای تعالی آن را  
 از آن موطن پایین آورده و آن را در خور فهم بشر کرده و به لباس واژه عربیت  
 درآورده و زبان آن از طرف خداوند، عربی قرار داده شده است، به این امید که  
 عقول بشر با آن انس بگیرد و حقایقش را بفهمد.<sup>۱</sup>

تعقل در این کتاب و فهم معانی و مفاهیم آن جز باخواندن قرآن میسر نمی شود و  
 لذا خداوند متعال در آیات مختلفی از قرآن کریم با الفاظی مانند تلاوت و ترتیل  
 پیامبر صلی الله علیه و آله و به تبعیت از ایشان مسلمانان را به خواندن و قرائت  
 این کتاب خطاب فرموده است.

موضوع مقاله «معناشناسی تطبیقی واژگان تلاوت و ترتیل از منظر قرآن، سنت و  
 علم قرائت است»؛ اینکه مراد از تلاوت و ترتیل در کاربردهای مختلف آن در  
 لغت، قرآن، حدیث و در اصطلاح چه نوع قرائتی است و چه ارتباطی بین این دو  
 واژه وجود دارد؟ سوالاتی است که پاسخ آن در علم زبانشناسی از طریق  
 معناشناسی حاصل می شود. معناشناسی، اصطلاحی برای اشاره به مطالعه معنای  
 عناصر زبان، به ویژه مطالعه شرایط حقیقی جملات و عبارات زبانی است. به  
 عبارت دیگر، معناشناسی همچون علم اصول که منطق و ضابطه استنباطهای  
 فقهی را ارائه می دهد، به مثابه منطق و ضابطه علم زبان شناسی است که با آن  
 می توان از خطا در درک مدلولهای کلام و فهم معانی کلمه ها و ترکیبهای یک  
 متن برحذر بود.<sup>۲</sup>

## ۱. معناشناسی تلاوت

واژه تلاوت مصدر ثلاثی مجرد بر وزن «فَعَلَ، يَفْعَلُ؛ تَلَا، يَتَلَوُ» است. این واژه در علم معناشناسی از چهار منظر بحث می‌شود:

### ۱-۱. معنای لغوی

ابن فارس در کتاب *معجم المقاییس اللغه* ذیل ماده «تلو» می‌نویسد: «التاء و اللام و الواو أصلٌ واحد و هو الأتباع... و منه تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ، لِأَنَّهُ يُتَّبَعُ آيَهُ بَعْدَ آيَةٍ»؛<sup>۳</sup> سه حرف التاء، اللام و الواو ریشه واحد به معنای اتباع و پیروی است... و تلاوت قرآن نیز از همین ریشه است. به این دلیل خواندن قرآن را تلاوت گفته‌اند که هنگام تلاوت، آیه‌ای به دنبال آیه‌ای دیگر آورده می‌شود. راغب اصفهانی نیز همین دیدگاه را پذیرفته است:

«تَلَاةٌ: تَبَعَهُ مَتَابِعَهُ لَيْسَ بَيْنَهُمْ مَا لَيْسَ مِنْهَا وَ ذَلِكَ يَكُونُ تَارَةً بِالْجِسْمِ وَ تَارَةً بِالْاِقْتِدَاءِ فِي الْحَكْمِ وَ مَصْدَرُهُ: تَلَوُّ وَ تَلَوُّ وَ تَارَةً بِالْقِرَاءَةِ وَ تَدَبَّرَ الْمَعْنَى وَ مَصْدَرُهُ: تِلَاوَةٌ»؛<sup>۴</sup> تَلَا یعنی به طوری از او متابعت کرد که بین آن دو چیز دیگری حائل نبود (پیروی و متابعت بدون حائل و واسطه) و آن، گاهی متابعت جسمی است و گاه با اقتداء و فرمانبری در حکم که مصدرش - تَلَوُّ وَ تِلَوُّ است و گاهی نیز پیروی و پیایی خواندن و تدبّر و اندیشه است که مصدرش تِلَاوَةٌ است.

بنابراین سه واژه «تَلَوُّ»، «تِلَوُّ» و «تِلَاوَةٌ» مصادر فعل «تلا- يتلوا» بوده که هر سه به معنای متابعت و پیروی کردن است. با این تفاوت که مراد از متابعت در «تِلَوُّ» و «تِلَوُّ»، پیروی جسمی و اقتداء و فرمانبرداری در حکم بوده؛ ولی منظور از آن در «تِلَاوَةٌ» از پی هم آوردن حروف و خواندن همراه با تدبّر و اندیشه است.

## ۱-۲. کاربردهای قرآنی

در کاربردهای قرآنی این کلمه در معانی ذیل به کار رفته است:

### ۱-۲-۱. نزول قرآن در آیات:

﴿تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ﴾ (بقره: ۲۵۲)؛ این [ها] آیات خداست که آن را بر حق بر تو می‌خوانیم؛ ﴿ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ﴾ (آل عمران: ۵۸)؛ این هاست که ما آن را از آیات و قرآن حکمت‌آمیز بر تو می‌خوانیم؛ ﴿تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَ مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۱۰۸)؛ این‌ها آیات خداست که آن را به حق بر تو می‌خوانیم و خداوند هیچ ستمی بر جهانیان نمی‌خواهد؛ ﴿تَتْلُوا عَلَيْكَ مِن نَّبِيٍّ مُّوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (قصص: ۳)؛ [بخشی] از گزارش [حال] موسی و فرعون را برای [آگاهی] مردمی که ایمان می‌آورند، به درستی بر تو می‌خوانیم و ...

آیات فوق بر این نکته تاکید دارد که واژه «تلاوت» از اقسام خواندن است و معنای آن در بیان نزول قرآن این است که چون قرآن در قالب الفاظ و کلمات نازل شده، پس لازمه عمل به این کتاب خواندن آن است.<sup>۵</sup>

### ۱-۲-۲. پیروی در آیات:

﴿وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا﴾ (شمس: ۲)؛ سوگند به مه چون پی [خورشید] روَد.

در این آیه به قمر سوگند یاد شده، در حالی که دنبال شمس در حرکت است و مراد از دنبال روی قمر دو چیز می‌تواند باشد: یکی اینکه از خورشید کسب نور می‌کند که در این صورت حال «إِذَا تَلَاهَا» حالی دائمی است؛ چون قمر دائماً از شمس کسب نور می‌کند و یکی اینکه طلوع قمر بعد از غروب خورشید باشد که

در این صورت سوگند دائمی نیست، بلکه در دو حال قمر است، یکی ایامی که قمر به صورت هلال در می‌آید و یکی ایامی که تمام قرص آن روشن می‌شود.<sup>۶</sup>

﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (هود: ۱۷)؛ آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و شاهدهی از [خویشان] او، پیرو آن است و پیش از وی [نیز] کتاب موسی راهبر و مایه رحمت بوده است [دروغ می‌بافد]؟ آنان [که در جستجوی حقیقت‌اند] به آن می‌گروند و هر کس از گروه‌های [مخالف] به آن کفر ورزد آتش وعده‌گاه اوست. پس در آن تردید مکن که آن حقّ است [و] از جانب پروردگارت [آمده است] ولی بیشتر مردم باور نمی‌کنند.

این آیه از جمله آیاتی است که مفسرین در تبیین و توضیح واژه‌های: «مَنْ»، «بَيِّنَةٍ»، «يَتْلُو»، مرجع ضمیر «ه» در «يَتْلُو»، «شَاهِدٌ» و مرجع ضمیر «ه» در «مِنْهُ»؛ اختلاف نظر و پراکندگی آراء زیادی دارند. از جمله:

۱. مراد از: «مَنْ»، مومنون و مقصود از «بَيِّنَةٍ»، قرآن و «يَتْلُو»، از مصدر «تلاوت» به معنای خواندن و منظور از شاهد، پیامبر صلی الله و علیه و آله و یا جبرئیل بوده و مرجع ضمیر «ه» در «يَتْلُو»، «بَيِّنَةٍ» (قرآن) و مرجع ضمیر در «مِنْهُ» ربّ است.<sup>۷</sup>

۲. مراد از «مَنْ»، پیامبر صلی الله علیه و آله و یا کسانی از یهود همچون عبدالله بن سلام و دیگران است که به آن حضرت ایمان آورده اند و آن، قول اظهر است به این دلیل که عبارت «اولئک یؤمنون به» به صیغه جمع بوده و رجوع آن به پیامبر صلی الله علیه و آله صحیح نیست؛ و مقصود از «بَيِّنَةٍ»، بیان و برهانی است که صحت دین حق با آن شناخته می‌شود؛ و «يَتْلُو»، از مصدر «تلو» به معنای پیروی

کردن بوده و منظور از شاهد، قرآن است؛ و مرجع ضمیر «ه» در «يَتْلُوهُ»، «بَيِّنَهُ» (برهان) و مرجع ضمیر در «مِنَهُ»، ربّ است.<sup>۸</sup>

۳. مراد از «مَنْ»، مومنون و مقصود از «بَيِّنَهُ» برهان و «يَتْلُو»، از مصدر «تَلُو» به معنای پیروی کردن و منظور از شاهد قرآن؛ ضمیر «ه» در «يَتْلُوهُ»، «بَيِّنَهُ» (برهان) و مرجع ضمیر در «مِنَهُ»، ربّ است.<sup>۹</sup>

۴. مراد از «مَنْ»، نصاریبی همچون ورقه بن نوفل، دحیه کلبی و یا یهودیانی همچون عبدالله بن سلام و مقصود از «بَيِّنَهُ»، دلیل و حجت بودن پیامبر صلی الله علیه و آله است که در تورات و انجیل از آمدنش بشارت داده است و «يَتْلُو»، از مصدر «تَلُو» به معنای پیروی کردن و منظور از شاهد قرآن؛ مرجع ضمیر در «يَتْلُوهُ»، «مَنْ» (نصاری و یهود) و مرجع ضمیر در «مِنَهُ»، ربّ است.<sup>۱۰</sup>

۵. مراد از «مَنْ»، پیامبر صلی الله علیه و آله یا مومنان راستین و مقصود از «بَيِّنَهُ»، قرآن و «يَتْلُو»، از مصدر «تَلُو» به معنای پیروی کردن و منظور از شاهد مومنان راستینی همچون امام علی علیه السلام مرجع ضمیر در «يَتْلُوهُ»، «بَيِّنَهُ» (قرآن) و مرجع ضمیر در «مِنَهُ»، ربّ است.<sup>۱۱</sup>

۶. مراد از «مَنْ»، پیامبر صلی الله علیه و آله یا مومنان راستین؛ و مقصود از «بَيِّنَهُ»، قرآن؛ و «يَتْلُو»، از مصدر «تَلُو» به معنای پیروی کردن؛ و منظور از شاهد مومنان راستینی همچون امام علی علیه السلام مرجع ضمیر در «يَتْلُوهُ» و در «مِنَهُ»، «مَنْ» است.<sup>۱۲</sup>

۷. مراد از «مَنْ»، کسی همچون پیامبر صلی الله علیه و آله؛ مقصود از «بَيِّنَهُ»، بصیرت الهی و «يَتْلُو»، از مصدر «تَلُو» به معنای پیروی کردن؛ منظور از شاهد ایمان آورندگان به حقانیت قرآن مرجع ضمیر در «يَتْلُوهُ»، «مَنْ» یا «بَيِّنَهُ» و مرجع ضمیر در «مِنَهُ»، «مَنْ» است.<sup>۱۳</sup>

در بین اقوال تفسیری فوق، قول اخیر (دیدگاه علامه طباطبایی) تفسیرمتقن و جامعی از این آیه را ارائه می‌دهد؛ زیرا در خصوص واژگان مورد اختلاف:

در مورد اسم موصول «مَنْ»؛ اختصاص آن به پیامبر صلی الله و علیه و آله، به این معنا که استعمال آن در این آیه مخصوص آن حضرت باشد، به دلیل جمع بودن لفظ «اولئک» در عبارت «أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ» سخن درستی نیست و اگر آن جناب منظور هست به خاطر این است که براساس عبارت «فَلَا تَكُ فِي مَرْيَمَ مِنْهُ» در آیه، مورد با آن جناب منطبق می‌شود و به ذهن خطور می‌کند که تنها آن حضرت منظور است، در حالی که آن جناب تنها منظور نیست و همچنین اینکه بگوییم که منظور از این جمله خصوص مؤمنین از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله است، نظر صحیحی نبوده، زیرا دلیلی که این تخصیص را برساند در دست نیست.<sup>۱۴</sup> و انطباق آن به یهود، وجه درستی ندارد؛ زیرا عبارت «وَمَنْ قَبْلَهُ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا» بیانگر این مطلب است که کتاب موسی قبل از او (پیامبر صلی الله علیه و آله)، امام و راهنما بوده است و نیز تعبیر از «من» به نصاری همچون عبدالله بن سلام و... به این دلیل که بر طبق گفته بیشتر مفسرین تمامی این سوره مکی بوده<sup>۱۵</sup> و برخورد و تعامل پیامبر صلی الله علیه و آله با نصاری در مدینه بوده؛ تفسیر صحیحی نیست.

درباره کلمه «بَيِّنَةٌ»، مراد از آن، قرآن و یا حجت عقلی نمی‌تواند باشد؛ زیرا بینه بصیرت الهی است که خدای تعالی به نفس رسول الله صلی الله علیه و آله داده بود و منظور از آن در این آیه قرآن نیست؛ زیرا در این صورت درست نبود که جمله «فَلَا تَكُ فِي مَرْيَمَ مِنْهُ»، بر آن متفرع شود. برای اینکه این درست نیست که به آن جناب بفرماید: تو دارای قرآنی هستی که از ناحیه پروردگارت به تو داده شده پس در آن تردید مکن و در مورد اختصاص «بینه» به حجت عقلی نیز اولاً: دلیلی بر این تخصیص نیست. ثانیاً: بینه‌ای که از ناحیه خدای تعالی برای رسول

گرامیش قائم می‌شود نباید با تعریف الهی که برای ما و از ناحیه عقول ما قائم می‌شود مقایسه نمود.<sup>۱۶</sup>

در مورد واژه «يَتْلُو»، این فعل از مصدر «تلو» به معنای تبعیت و پیروی بوده و تعبیر از آن با ریشه «تلاوت» به معنای خواندن، به این دلیل که مراد از «بینه»، قرآن نمی‌تواند باشد صحیح نیست.

درباره مرجع ضمیر «ه» در «يَتْلُو»، بازگشت آن هم به «مَنْ» (پیامبر صلی الله علیه و آله) و نیز «بینه» (بصیرت دینی) صحیح است و هر دو وجه به یک معنا است؛ چون شاهدی که دنبال «فَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ» می‌رود، قهرا دنبال نور و دلیل او نیز رفته است.<sup>۱۷</sup>

درباره کلمه «شاهد»، تفسیر آن به قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله و جبرئیل؛ وجه درستی ندارد؛ زیرا دقت در سیاق آیه و ظاهر جملات، بطلان وجوه مذکور را بیان می‌کند؛<sup>۱۸</sup> ولی تعبیر از آن به امام علی علیه السلام با توجه به روایات نقل شده از طریق شیعه و اهل سنت؛<sup>۱۹</sup> با آن جناب منطبق است.

در مورد ضمیر «ه» در کلمه «مِنْهُ»؛ مرجع آن کلمه «مَنْ» است، نه کلمه «رَبِّهِ» و «بینه»؛ زیرا تبعیت در اینجا بر اساس توضیحاتی که بیان شد، باید از واژه، «مَنْ» پیامبر صلی الله علیه و آله باشد.

### ۱-۲-۳. قرائت و خواندن در آیات:

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾  
(بقره: ۴۴)؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید؟ آیا [هیچ] نمی‌اندیشید؟

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾  
(بقره: ۱۲۱)؛ کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده‌ایم، [و] آن را



چنان که باید می‌خوانند، ایشانند که بدان ایمان دارند. و [لی] کسانی که بدان کفر ورزند، همانانند که زیانکارانند.

درباره این آیه سه نوع قول تفسیری وجود دارد: ۱. مراد از «کتاب»، کتاب آسمانی یهودیان و نصاری (تورات وانجیل) بوده و تلاوت نیز به معنا خواندن است و ضمیر «ه» در «يُؤْمِنُونَ بِهِ» به قرآن یا پیامبر صلی الله علیه و آله بر می‌گردد.<sup>۲۰</sup> ۲. مراد از «کتاب»، قرآن است و تلاوت به معنای خواندن بوده و مرجع ضمیر «ه» در «يُؤْمِنُونَ بِهِ» کتاب (قرآن) است.<sup>۲۱</sup> ۳. مراد از «کتاب»، کتاب آسمانی یهودیان و نصاری (تورات وانجیل) بوده و تلاوت نیز به معنای پیروی کردن است و ضمیر «ه» در «يُؤْمِنُونَ بِهِ» به تورات و انجیل اشاره دارد.<sup>۲۲</sup>

براساس دو قول تفسیری اول، «تلاوت» در اینجا به معنای قرائت و خواندن و طبق معنای سوم، «تلاوت» به معنای پیروی کردن خواهد بود.

﴿كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (آل عمران: ۹۳)؛ همه خوراکی‌ها بر فرزندان اسرائیل حلال بود، جز آنچه پیش از نزول تورات، اسرائیل [یعقوب] بر خویشان حرام ساخته بود. بگو: «اگر [جز این است و] راست می‌گویید، تورات را بیاورید و آن را بخوانید.

﴿وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَنْتَ بَقْرَانٍ غَيْرِ هَذَا...﴾ (یونس: ۱۵) و هنگامی که آیات روشن ما بر آن‌ها خوانده می‌شود، کسانی که امید و ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند می‌گویند: «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تغییر ده....»

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (انفال: ۲)؛ مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد

شود دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند؛ ﴿وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَ أَحْسَنُ نَدِيًّا﴾ (مریم: ۷۳) و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، کسانی که کفر ورزیده‌اند به آنان که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «کدام یک از [ما] دو گروه جایگاهش بهتر و محفلش آراسته‌تر است؟

۲۰۵ ﴿وَ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ﴾ (قصص: ۵۳)؛ و چون بر ایشان فرو خوانده می‌شود، می‌گویند: «بدان ایمان آوردیم که آن درست است [و] از طرف پروردگار ماست ما پیش از آن [هم] از تسلیم‌شوندگان بودیم.

﴿وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتَّبَعْنَا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، دلیلشان همواره جز این نیست که می‌گویند: «اگر راست می‌گویید پدران ما را [حاضر] آورید.

#### ۱-۲-۴. نسبت دادن دروغ در آیه:

﴿وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ...﴾ (بقره: ۱۰۲)؛ یهودیان آنچه را که شیطان‌ها به نادرست باسلطنت سلیمان نسبت میدادند پیروی کردند...

البته مفسرین در معنای کلمه «تتلوا» در این آیه اختلاف نظر دارند و آن را به: خواندن، پیروی کردن و جعل و تکذیب کردن؛ معنا کرده‌اند.<sup>۲۳</sup> ولی به نظر می‌رسد که معنای این کلمه (تتلوا)، «جعل و تکذیب» است و دلیلش هم این است که با حرف «علی» متعدی شده است.<sup>۲۴</sup>

### ۱-۳. «تلاوت» در احادیث

در برخی از بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، منظور و مقصود از تلاوت قرآن و به عبارت دیگر ادای حق تلاوت قرآن از جانب ایشان توضیح داده شده است. از جمله: دیلمی در کتاب «ارشاد القلوب الی الصواب» در ذیل آیه ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ...﴾، روایتی را از امام صادق صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت «تلاوت» را به خواندن قرآن با ترتیل، تفکر در آیات آن، عمل به احکام، امید به رحمت و ترس از عذاب خداوندی تفسیر فرموده اند:

«يُرْتَلُونَ آيَاتِهِ وَ يَتَفَقَّهُونَ فِيهِ وَ يَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ وَ يَرْجُونَ وَعْدَهُ وَ يَخَافُونَ وَعِيدَهُ وَ يَعْتَبِرُونَ بِقِصَصِهِ وَ يَأْتَمِرُونَ بِأَمْرِهِ وَ يَتَنَاهَوْنَ عَنِ نَوَاهِيهِ مَا هُوَ وَ اللَّهُ حِفْظَ آيَاتِهِ وَ دَرَسَ حُرُوفِهِ وَ تِلَاوَةَ سُورِهِ وَ دَرَسَ أَغْشَارِهِ وَ أَخْمَاسِهِ حَفِظُوا حُرُوفَهُ وَ أَضَاعُوا حُدُودَهُ وَ إِنَّمَا تَدَبَّرُوا آيَاتِهِ وَ الْعَمَلُ بِأَحْكَامِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى - كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ...»؛<sup>۲۵</sup> کسانی که قرآن را به آنان دادیم، آیات آن را با ترتیل و فکر می‌خوانند و در آن می‌اندیشند و به احکامش عمل می‌نمایند و به وعده خدا امیدوارند و از وعید او می‌ترسند و از قصه‌هایش درس عبرت می‌آموزند و به اوامرش گردن می‌نهند و از نواهایش دوری می‌کنند، سوگند به خدا قرآن برای این نیست که آن را حفظ کنند و تدریس نمایند و یک سوره و یا کمتر بخوانند و حروف آن را نگاه دارند و حدودش را تباه کنند، بلکه برای تفکر در آیات و عمل به احکام قرآن است و خداوند می‌فرماید: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ: کتابی بزرگ به سوی تو فرستادیم تا در آیاتش بیندیشند....

همچنین در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آن حضرت تلاوت قرآن در هر خانه ای را موجب نورانیت آن خانه و بهره مندی اهل آن دانسته و فرموده اند: «نُورُوا بِيَوْمِكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ لَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى

صَلُّوا فِي الْبَيْعِ وَالْكَنَائِسِ وَعَطَّلُوا بَيْوتَهُمْ، فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تَلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَامْتَعَ أَهْلُهُ وَاضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تَضِيءُ نَجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ؛ خانه‌های خود را با تلاوت قرآن، نورانی کنید و آن‌ها را چون قبرستان قرار ندهید، همان طور که یهود و نصاری چنان کردند که در معابد و کنیسه‌ها نماز می‌گزاردند و خانه‌های خویش را تعطیل نمودند، چون هر گاه در خانه‌ای قرآن زیاد تلاوت شود، خیرش زیاد می‌گردد و آن خانواده بهره‌مند می‌گردند و برای اهل آسمان نور می‌دهد همچنان که ستارگان آسمان برای اهل زمین، نور افشانی می‌کنند».<sup>۲۶</sup>

#### ۱-۴. «تلاوت» در اصطلاح

همچنانکه از محتوای احادیث و بیان اکثر اهل لغت و مفسران بر می‌آید، تلاوت در اصطلاح به معنای از پی هم آوردن حروف و خواندن همراه با تدبیر و اندیشه است.<sup>۲۷</sup> بنابراین منظور از آن خواندن و قرائتی بوده که همراه با فهم و درک معنای آیات قرآن است. البته تلاوت با قرائت، تفاوت دیگری نیز دارد و آن اینکه قرائت عام و شامل تلاوت نیز می‌شود؛ ولی تلاوت خاص است و بیشتر در مورد کتاب‌های آسمانی کاربرد دارد.<sup>۲۸</sup> اگرچه در غیر کتاب‌های آسمانی نیز استعمال شده است؛ مانند آیه ﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ﴾.

برای تلاوت در کتب تفسیر و علوم قرآنی ادابی نیز ذکر شده که عبارتند از: آداب ظاهری شامل: وضو گرفتن، خواندن قرآن در جای پاکیزه، روبه قبله خواندن قرآن، مسواک زدن، استعاذه، تعظیم مصحف، خواندن دعای شروع و ختم آداب باطنی شامل: حضور قلب، تدبیر، تفهیم، رفع موانع فهم، تخصیص نفس به خطاب‌های قرآن، تاثیر پذیری قلب، ترقی، تبری.<sup>۲۹</sup>

اگرچه آداب ظاهری تلاوت قرآن مقدمه ای برای آداب باطنی بوده؛ ولی توجه و عنایت به هر دو مورد (آداب ظاهری و باطنی) موجب تحقق تلاوت نیکوی قرآن، یعنی همان معنای اصطلاحی تلاوت - که همان از پی هم آوردن حروف و خواندن همراه با تدبّر و اندیشه است - می‌شود.

## ۲. معناسناسی ترتیل

واژه ترتیل، مصدر ثلاثی مزید باب «تفعیل» بر وزن «فَعَّلَ، يُفَعِّلُ؛ رَتَّلَ، يُرَتِّلُ» از ریشه «رتل» است. این واژه در علم معناسناسی از چهار منظر بحث می‌شود:

### ۱-۲. «ترتیل» در لغت

ترتیل در لغت از ریشه «رتل» به معنای آراستگی چیزی براساس نظم و استحکام است و به مردی که دندان‌های منظم دارد؛ «رتل الاسنان» گفته می‌شود و ترتیل ادای کلمات از دهان به آسانی و استحکام است.<sup>۳۰</sup>

### ۲-۲. کاربردهای واژه «ترتیل» در قرآن کریم

کلمه «ترتیل» مجموعاً دو بار در قرآن کریم در معانی زیر به کار رفته است:

#### ۱-۲-۲. نزول تدریجی و آرام آرام سوره‌ها و آیات قرآن: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً﴾ (فرقان: ۳۲)؛ و کسانی که کافر شدند، گفتند: «چرا قرآن یک جا بر او نازل نشده است؟» این گونه [ما آن را به تدریج نازل کردیم] تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم.

در این آیه، «ترتیل» عملی است که خداوند متعال آن را به خود نسبت داده است و آن به این واقعیت اشاره دارد که آیات قرآن گرچه قسمت به قسمت به طور در

مدت ۲۳ سال بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده؛ اما این نزول تدریجی پشت سر هم و روی نظم و حساب و برنامه بوده است.<sup>۳۱</sup>

۳-۲-۲. با تانی و تأمل خواندن آیات قرآن: ﴿أُورِدُ عَلَيْهِ وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ (مزمّل: ۴)؛ یا بر نصف آن بیفزا و قرآن را با تأمل و دقت بخوان. در این آیه نیز، «ترتیل» به عنوان عمل پیامبر صلی الله علیه و آله و به تبعیت ایشان عمل مردم بوده و منظور از آن در اینجا به معنی خواندن آیات قرآن با تانی و نظم لازم و اداء صحیح حروف و تبیین کلمات و دقت و تأمل در مفاهیم آیات و اندیشه در نتایج آن است.<sup>۳۲</sup>

## ۳-۲. «ترتیل» در روایات

در روایات از ائمه معصومین علیهم السلام به طور کاملاً واضح و روشن، معنا و مراد از واژه ترتیل بیان شده است. از جمله: در روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده که از ایشان در مورد «ترتیل» سوال شد و آن حضرت در جواب فرمودند: «هو حفظ الوقوف و بیان الحروف و فسر الأول بالوقف التام و الحسن و الثانی بالایتان بصفاتهما المعتره من الجهر و الهمس و الاطباق و الاستعلاء و غیرها»<sup>۳۳</sup>؛ ترتیل آشنایی به وقف‌ها و بیان حروف است و اولی (حفظ الوقوف) را به رعایت کردن وقف تام و وقف حسن و دومی (بیان الحروف) را به آوردن صفات معتبر حروف مانند جهر و همس و اطباق و استعلاء و غیر آن تفسیر کن.

در روایت دیگری، علی بن ابراهیم از پدرش از علی بن معبد از واصل بن سلیمان از عبد الله بن سلیمان روایت کرده است که گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام از معنی قول خدای عزّ و جلّ: «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» سؤال کردم و حضرت فرمود که امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - فرموده اند که: «بَيِّنُهُ تَبَيَّنًا وَلَا تَهْدُهُ هَدًا الشَّعْرَ وَلَا تَنْثُرُهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَلَكِنْ أَفْرِعُوا قُلُوبَكُمْ الْقَاسِيَةَ وَلَا يَكُنْ هَمُّ أَحَدِكُمْ آخِرَ

السُّورَةِ»<sup>۳۴</sup>؛ آن را خوب بیان کن و حروف آن را ظاهر گردان و آن را تند مخوان، مانند تند خواندن شعر و آن را از هم مپاش و پراکنده مکن مانند پراکندگی ریگ، ولیکن بر دل‌های سختِ خویش غالب شوید و باید که همّت و قصد یکی از شما، آخر سوره نباشد.

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده که ترتیل عبارت است از: «التَّرْتِيلُ إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَإِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَاسْأَلِ الْجَنَّةَ»<sup>۳۵</sup>؛ ترتیل آن است که چون به آیه ای رسیدی که در آن از جهنم ذکر شده، از آن به خداوند پناه ببر و چون به آیه ای رسیدی که در آن ذکر بهشت است، از خداوند بهشت را طلب کن.

### نقد و بررسی و جمع بندی روایات

در میان روایات فوق، روایت اول (...هو حفظ الوقوف و بیان الحروف...) از حیث سند و متن روایت ضعیفی است؛ زیرا از نظر سندی فاقد سند بوده و مؤلفینی که آن را در کتب حدیثی نقل کرده اند سندی برای آن نیاورده اند و از نظر متنی نیز روایت مذکور اضطراب در متن دارد و در منابع ذکر شده با عبارات و تعابیر مختلفی نقل شده است.<sup>۳۶</sup> علاوه بر اشکالات فوق، از نظر بعضی محدثان و فقیهان همچون علامه مجلسی، وقف‌های بیان شده در این روایت در زمان امام علی علیه السلام وجود نداشته و از اصطلاحات ایجاد شده توسط متاخرین است. از این رو نمی‌توان کلام حضرت را بر این معنا حمل کرد، مگر غرض آن حضرت از آن (وقف‌ها)، رعایت کردن وقف در قرآن بر حسب معنا و آنچه قاری از آیات قرآن می‌فهمد، باشد که در این صورت، این معنا با ابداع اصطلاحات تجویدی در عصرهای متأخر، منافاتی نخواهد داشت<sup>۳۷</sup>

اما دو روایت بعدی از امام صادق علیه السلام، مطابق با تفسیر آیه ﴿وَرَزِدْ عَلَيْهِ وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ است؛ زیرا همان گونه که در تفسیر آن در کاربردهای قرآنی اشاره شد از ویژگی‌های قرائت ترتیل خواندن آیات قرآن با تانی و نظم لازم و اداء صحیح حروف و تبیین کلمات و تدبّر و تأمل در مفاهیم آیات قرآن و اندیشه در نتایج آن است که در دو روایت اخیر از امام صادق علیه السلام به بیان آن پرداخته شده است.

## ۲-۴. «ترتیل» در اصطلاح

دربحث لغوی، کاربردهای قرآنی و همچنین در روایات ائمه معصومین علیهم السلام به نوعی به تعریف واژه «ترتیل» اشاره شده است. طبرسی نیز در مجمع البیان در ذیل آیه ﴿وَرَزِدْ عَلَيْهِ وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ (مزمّل: ۴)؛ یا بر نصف آن بیفزا و قرآن را با تأمل و دقت بخوان؛ مراد از ترتیل را تبیین، آشکار و آرام خواندن آیات قرآن دانسته و سپس به اقوال قدماء در تعریف کلمه «ترتیل» پرداخته و به تعریف ابن عباس (به سه آیه سه آیه، چهار آیه چهار آیه و پنج آیه پنج آیه خواندن آیات قرآن) و میجاهد (ترتیل یعنی بآرامی و تأنی خواندن آیات قرآن)؛ اشاره کرده است.<sup>۳۸</sup>

از نظر علماء علم قرائت نیز، «ترتیل» یکی از مراتب چهارگانه قرائت است که ابن جزری آن را چنین تعریف کرده است:

«ترتیل آهسته، پیوسته و همراه با تفقه خواندن بدون عجله و شتاب آیات قرآن است و قرآن بدون شتاب و با تأنی نازل شده است».<sup>۳۹</sup>

از معاصرین نیز، استاد سید محسن موسوی بلده؛ در تعریف آن می‌نویسد:

«ترتیل در اصطلاح قرائت عبارت است از خواندن قرآن به طور منظم و با تأنی و شمرده و همراه با تدبّر در معانی، به طوری که تمامی قواعد رعایت شود».<sup>۴۰</sup>



تعاریف طبرسی، ابن عباس، مجاهد و ابن جزری از «ترتیل» بیشتر به بیان شکل ظاهری و لفظی ترتیل پرداخته و با معنای لغوی آن و روایت «بَيْنَهُ تَبْيَانًا وَلَا تَهْدَهُ هَذَا الشَّعْرَ وَلَا تَنْشُرُهُ نَشْرَ الرَّمْلِ...» از امام صادق علیه السلام؛ همخوانی دارد؛ ولی تعریف استاد سید محسن موسوی بلده، هم به بعد ظاهری و لفظی واژه ترتیل پرداخته و هم به بعد باطنی و معنوی آن که همان تدبّر و تأمل در مفاهیم آیات قرآن و اندیشه در نتایج آن است. از این رو تعریف اخیر هم با معنای لغوی، کاربردهای قرآنی و کاربردهای حدیثی - با هر دو روایت صادره از امام صادق علیه السلام - ترتیل هماهنگ است.

### ۳. ارتباط معنایی بین تلاوت و ترتیل

بر اساس تعریفی که از تلاوت و ترتیل ارائه شد، مراد از تلاوت قرآن از پی هم آوردن حروف و خواندن همراه با تدبّر و اندیشه است و مقصود از ترتیل خواندن قرآن به طور منظم و با تأنی و شمرده و همراه با تدبّر در معانی، به طوریکه تمامی قواعد رعایت شود. البته بین «ترتیل» و «تلاوت» تفاوتی نیز هست، بدین صورت که «تلاوت» عام تر از «ترتیل» بوده و در مورد همه کتاب‌های آسمانی کاربرد دارد<sup>۴۱</sup> در حالی که «ترتیل»، فقط در مورد قرآن به کار می‌رود.

### نتیجه

خداوند متعال در آیات مختلف قرآن کریم با تعبیرات و الفاظ گوناگونی، پیامبر صلی الله علیه و آله و به تبعیت از ایشان مسلمانان را به قرائت و خواندن این کتاب مورد خطاب قرار داده است. از جمله این واژگان، «تلاوت» و «ترتیل» است.

«تلاوت» در لغت، مصدر فعل «تلا- یتلو» به معنای از پی هم آوردن حروف و خواندن همراه با تدبّر و اندیشه بوده و در کاربردهای قرآنی، مشتقات آن در معانی

همچون: نزول قرآن، پیروی، قرائت و نسبت دروغ دادن آمده و در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نیز، به اهمیت و منظور، مقصود و به عبارت دیگر ادای حق تلاوت قرآن اشاره شده است. همچنین این واژه در اصطلاح به معنای قرائت و خواندن آیات قرآن همراه با تدبّر و اندیشه و با فهم و درک معنای آیات است.

«ترتیل» در لغت به معنای آراستگی چیزی براساس نظم و استحکام بوده و در قرآن کریم مجموعاً دو بار در معانی همچون: نزول تدریجی و آرام آرام سوره‌ها و آیات قرآن و با تأنی و تأمل خواندن آیات قرآن به کار رفته است.

در روایات نیز، به طور واضح و روشن به خصوصیات و ویژگی‌ها قرائت ترتیل - یعنی خواندن آیات قرآن با تانی و نظم لازم و اداء صحیح حروف و تبیین کلمات و دقت و تأمل در مفاهیم آیات و اندیشه در نتایج آن - اشاره شده است. همچنین مراد از این نوع قرائت در اصطلاح علم قرائت عبارت است از خواندن قرآن بطور منظم و با تأنی و شمرده و همراه با تدبّر در معانی، به طوری که تمامی قواعد رعایت شود.

#### پی نوشت‌ها:

۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۸۳-۸۴.
۲. اختیار، منصور، معنی شناسی، ص ۱۲۷.
۳. ابن فارس، احمد، معجم المقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۸۱.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۶۷.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۶۸-۱۶۷؛ قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۲۶۲.
۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۹۶.

۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۲۷۰؛ شوکانی، محمد بن علی، فتح الغدير، ج ۲، ص ۵۵۴.
۸. اندلسی، ابوحيان محمد بن يوسف، البحر المحيط فی التفسیر، ج ۶، ص ۱۳۴؛ ابن عجبیه، احمد بن محمد، البحر المديد فی تفسیر القرآن المجید، ج ۲، ص ۵۱۸؛ فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۷، ص ۳۲۹؛ زمخشری، اجارالله محمود، لکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۵.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل، ج ۳، ص ۱۳۱؛ دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، ج ۳، ص ۵۱۶.
۱۰. ابن عاشور، محمد الطاهر، التحریر والتنویر، ج ۱۱، ص ۲۲۴.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۵۴.
۱۲. طیب، عبد الحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۴.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، صص ۱۸۳-۱۸۵؛ موسوی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، ج ۸، ص ۳۶۶؛ قریشی، سید علی اکبر، احسن الحدیث، ج ۴، ص ۴۷۱.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۸۵.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۱۲.
۱۶. طباطبایی محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۸۵.
۱۷. همان.
۱۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۱۵.
۱۹. سیوطی، جلال الدین، الدرالمثور فی تفسیر الماثور، ج ۳، ص ۳۲۴.
۲۰. قریشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، ج ۱، ص ۲۲۹.
۲۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، صص ۲۶۵-۲۶۶؛ طیب، عبد الحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۷۳.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۷۶؛ زمخشری، جار الله محمود، لکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۱۸۳.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۶.

۲۴. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۳۲.

۲۵. ديلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الى الصواب، ج ۱، صص ۷۹-۷۸.

۲۶. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عده الداعي، ص ۴۸۷.

۲۷. طوسی، محمد بن حسن، التبيان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۴۲؛ طبرسی، فضل بن حسن،

مجمع البيان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۹۱؛ طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر

القرآن، ج ۵، ص ۲۹۸..

۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۶۸-۱۶۷.

۲۹. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۷۱؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱،

صص ۳۶۱-۳۳۸.

۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۴۱.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۸۴.

۳۲. همان، ج ۲۵، ص ۱۶۷.

۳۳. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۷۱.

۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۴.

۳۵. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ، ج ۲،

ص ۵۰.

۳۶. صادقی فدکی، سید جعفر، بررسی تطبیقی مفهوم ترتیل از منظر قرآن، سنت و علم

تجوید، فصلنامه پژوهش های قرآنی، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۲، پیاپی ۷۵، صص ۶۴-۶۵.

۳۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج ۸۲، ص ۹.

۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۶۹.

۳۹. ابن جزری، محمد بن محمد بن یوسف، النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۲۰۹.

۴۰. موسوی بلده، سید محسن، حلیه القرآن سطح دو، ص ۲۱.

۴۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۶۷-۱۶۸.

## منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم، انتشارات دار القرآن کریم، ۱۳۷۷ش، چاپ دوم.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ، جلد ۲، قم، دار سیّد الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق، بی‌چا.
۳. ابن جزری، محمد بن محمد بن یوسف، النشر فی القراءات العشر، تحقیق علی محمد الضباع، بی‌جا، المطبعه التجاریه الکبری، بی‌تا، بی‌چا.
۴. ابن عاشور، محمد الطاهر، التحریر و التنویر، جلد ۱۱، بیروت، الموسسه التاريخ، ۱۴۱۲ق، چاپ اول.
۵. ابن عجیبه، احمد بن محمد، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، جلد ۲، قاهره، نشر دکتر حسن زکی، ۱۴۱۹ق، بی‌چا.
۶. ابن فارس، معجم المقایس اللغه، جلد ۱، تحقیق ابراهیم شمس الرین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق، چاپ اول.
۷. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عده الداعی، قم، بنیاد معارف اسلامی، بی‌تا، بی‌چا.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، جلد ۴، دار الکتب العلمیه، لبنان، بیروت، ۱۴۱۹ق، بی‌چا.
۹. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، جلد ۶، دارالفکر، لبنان، بیروت، ۱۴۲۰ق، بی‌چا.
۱۰. اختیار، منصور، معنی شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ش، بی‌چا.
۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل، جلد ۳، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق، بی‌چا.
۱۲. دروزه، محمد عزت، تفسیر الحدیث، جلد ۳، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ق، بی‌چا.

۱۳. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الى الصواب، جلد ۱، قم، انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق، بی‌چا.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ سوّم، دمشق بیروت، دار العلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۵. زمخشری، جار الله محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، جلد ۱ و ۲، بیروت، دار الکتب العربیه، ۱۴۰۷ق، چاپ سوم.
۱۶. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، جلد ۲، دار ابن کثیر، دمشق، ۱۴۱۴ق، بی‌چا.
۱۷. سیوطی، جلال الدین، الدرالمثور فی تفسیر الماثور، جلد ۳، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق، چاپ اول.
۱۸. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، جلد ۱، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰ش، چاپ سوم.
۱۹. صادقی فدکی، سید جعفر، بررسی تطبیقی مفهوم ترتیل از منظر قرآن، سنت و علم تجوید، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۲، پیاپی ۷۵.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱ و ۱۰ و ۱۸ و ۲۰، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، چاپ پنجم.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ش، چاپ اول.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱ و ۵ و ۱۰، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش، چاپ سوم.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، لبنان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا، چاپ اول.
۲۴. طبیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۷، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش، بی‌چا.

۲۵. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، جلد ۱۷، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، چاپ سوم.
۲۶. فیض کاشانی، محسن، **تفسیر الصافی**، جلد ۱، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق، چاپ دوم.
۲۷. قربشی، سید علی اکبر، **تفسیر احسن الحدیث**، جلد ۱ و ۴، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش، چاپ سوم.
۲۸. قریشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، جلد ۵، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ش، چاپ هفتم.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، جلد ۲، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، بی چا.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار**، جلد ۸۲، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، بی چا.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، جلد ۹ و ۱۵ و ۲۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ش، چاپ چهاردهم.
۳۲. موسوی بلده، سید محسن، **حلیه القرآن سطح دو**، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ش، چاپ سی ام.